



در محضر پیامبر ﷺ

(۲)

بلند سخن گفتن در محضر پیامبر ممنوع

بلند سخن گفتن، داد زدن هنگام صحبت کردن با دیگران یا صدا کردن دیگران با تعبیرات زشت و یا با عباراتی که در شأن و منزلت طرف نیست، در نظر همگان مذموم است. انسان و همه اشخاص را همانند خود و افراد همطراز خود به حساب بیاورد و آنچنانکه هنگام برخورد با رفقای خود رفتار می نماید و او را صدا می زند، اشخاص دیگر را که صاحب مقام و منزلتی هستند، صحبت کند یا صدا بزند چرا که صحبت کردن و سخن گفتن و صدا زدن با صدای بلند از عادات زشت و ناپسند و نکوهیده است. مخصوصاً کسی که ادعای مسلمانی دارد، باید همیشه این دستور بزرگ اجتماعی اسلام را مد نظر قرار داده و سعی کند این عادات ناپسند را از خود دور نماید زیرا سخن گفتن با صدای بلند نشانه بی ادبی است و اسلام دین ادب و محبت و احترام است. البته عوامل دیگری هم در بلندی صدا در برخوردها تأثیر دارد چنانکه مرحوم آیت الله سید رضا صدر می نویسد: «وحشی گری و بیابان گردی، بی تربیت بودن و از ادب و انسانیت دور بودن، خودپسندی و بزرگی فروشی، دشمنی یا مخاطب و نفرت از او و تصمیم به توهین و هتک احترام نیز در بلند سخن گفتن تأثیر دارد»^۱.

یکی از آداب مهم و اساسی در اسلام که عدم رعایت آن گناه بزرگ و باعث حبط اعمال (وچی و نابودی اعمال) و عبادتهای انسان می شود، بلند سخن گفتن در محضر

۱. تفسیر سوره حجرات، ص ۱۸۸، با کمی تلخیص.

پیامبر است چرا که انسان در برخورد با اشخاص و مقامات عالیه دنیوی و یا پدر و مادر خود حتی برادر و خواهر بزرگتر از خود، صدایش را پائین می آورد و بلند حرف نمی زند و اگر حرف بزند، خیلی آهسته و با رعایت ادب سخن می گوید تا چه رسد به شخصیتی مانند پیامبر که شخص اول عالم خلقت و منجی عالم بشریت است و به ما سوی الله اولی به نفس. لذا خداوند متعال می فرماید:

«وَلَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ»^۱.

«ای کسانی که ایمان آورده اید، صدای خود را فراتر از صدای پیامبر نکنید، و در برابر او بلند سخن مگویید (و داد و فریاد نزنید) آنگونه که بعضی از شما در برابر بعضی می کنند، مبادا اعمال شما نابود گردد در حالی که نمی دانید!».

آیا بلندی صدا حدّ معینی دارد؟

براساس این آیه، اینکه در محضر پیامبر نباید با صدای بلند حرف زد، مسلم است اما چند سؤال به نظر می رسد:

۱. آیا حدی برای بلندی صدا تعیین شده یا نه؟
 ۲. هنگام همسخن بودن با خود پیامبر نباید بلند حرف زد یا در محضر آن حضرت با اشخاص دیگر نیز نباید با صدای بلند سخن گفت؟
 ۳. بلندی صدا مطلقاً و بدون قید ممنوع است یا حد و مرزی دارد؟
 ۴. آیا طرز سخن گفتن خود پیامبر با اشخاص مختلف، یکنواخت بود یا ملاحظه افراد را نسبت به وضع جسمی و روحی آنان می کرد؟
- اما درباره سخن گفتن با خود پیامبر یا اشخاص دیگر در حضور آن حضرت، باید توجه داشته باشیم که جمله «لا ترفعوا» در آیه یاد شده، با جمله «لا تجهروا» تفاوت دارد چنانکه مرحوم طبرسی، مفسر بزرگ در تفاوت این دو می گوید: جمله «لا تجهروا»

۱. سوره حجرات: ۲.

«وحشیگری و بیابان‌گردی، بی‌تربیت بودن و از ادب و انسانیت دور بودن، خودپسندی و بزرگی‌فروشی، دشمنی یا مخاطب و نفرت از او و تصمیم به توهین و هتک احترام نیز در بلند سخن گفتن تأثیر دارد».

مربوط به موقعی است که مسلمانان با پیامبر سخن می‌گویند یعنی وقتی با پیامبر خدا همسخن می‌شوند. ولی جمله «لا ترفعوا» به سخن گفتن در محضر آن حضرت مربوط است خواه آن حضرت مخاطب باشد یا نه، مسلمانان با یکدیگر سخن بگویند^۱.

همچنین بعضی از مفسران بر این باورند که جمله «لا تجهروا» زمان سکوت پیامبر است اما «لا ترفعوا» مربوط به حالت مخاطب بودن پیامبر است و همچنین احتمال دارد که جمله

«لا تجهروا» تأکید جمله «لا ترفعوا» باشد یا اشاره به مطلب تازه‌ای و آن خطاب پیامبر با جمله «یا محمد» و تبدیل آن به «یا رسول‌الله» است^۲.

به هر حال، در هر دو نظر، این بی‌احترامی اگر به عنوان قصد توهین باشد که حبط اعمال را به دنبال دارد. و اگر بدون قصد باشد، آزار و اذیت پیامبر است که باز هم معصیت کرده و بعید نیست که باعث حبط اعمال باشد.

حدّ بلندی صدا نسبت به پیامبر ﷺ

از جمله «لا تجهروا» استفاده می‌شود که بلندی صدا در محضر پیامبر همیشه و مطلقاً بد نیست، بلکه موارد گوناگون و اشخاص متفاوت در بلندی صدا متفاوت است. زیرا اگر به قصد احترام و تعظیم یا ترسانیدن دشمن در میدان جنگ باشد، اشکالی ندارد چنانکه جمله «کجهر بعضکم لبعض» اشاره به این مطلب است، چرا که انسان وقتی با رفقا و اشخاص همانند خود حرف می‌زند، اشکالی ندارد که همدیگر را هرطور دلشان

۱. مجمع‌البیان، ج ۹، ذیل آیه.

۲. تفسیر نمونه، ذیل آیه.

خواست صدا بزنند یا همصحبت شوند و یا با اسم کوچک صدا بزنند اما پیش اشخاص بزرگ (آنچنانکه مرسوم است) مؤدب، آهسته‌تر و با کلمات پسندیده سخن می‌گویند یا با کنیه و القاب خوب صدا می‌زنند. پس در طرز صحبت کردن و صدا زدن، شأن و مقام طرف مقابل باید مدّ نظر قرار گیرد.

همچنانکه خود پیامبر گرامی اسلام هر وقت خطبه می‌خواند و یا با کسی حرفی می‌زد، به تناسب اشخاص و مقامات، آهنگ و بلندی صدای حضرت نیز مختلف بود همچنین در مجالس عمومی بلند و در مجالس خصوصی آهسته سخن می‌گفتند و یا با کسانی که گوششان سنگین بود، بلندتر و کسانی که از گوش سالمی برخوردار بودند، آهسته‌تر سخن می‌گفتند. و چه بسا آهنگی در مجلسی حرام و در مجلسی اشکال نداشته باشد زیرا که معیار، بلندی آهنگ و صدای پیامبر می‌باشد که به حسب موارد مختلف، تغییر می‌کرد.

مرحوم آیت‌الله سید رضا صدر می‌نویسد: «در جنگ حنین هنگامی که مسلمانان پای به گریز نهادند، عباس عموی پیامبر حسب الامر آن حضرت چنین فریاد کشید: ای کسانی که با رسول خدا بیعت کردید، تا جان دارید در راه خدا بکوشید، کجا می‌روید! چرا می‌گریزید؟»^۱

از اینجا معلوم می‌شود که اگر بلند سخن گفتن به دستور پیامبر یا برای تبلیغ اسلام و یا برای ترساندن دشمن و یا تقویت لشکر و یا احترام پیامبر باشد، اشکالی ندارد.

چه کسانی رعایت ادب نکردند

در شأن نزول این آیات، دیدگاهها مختلف است از جمله:

۱. «ثابت بن قیس بن شماس» که کر بود، (و از آنجا که معمولاً اشخاص کر همیشه بلند حرف می‌زنند و خیال می‌کنند که مخاطبین آنها نمی‌شنوند) و آهنگ بلندی داشت و هنگام سخن گفتن با پیامبر، آن حضرت اذیت می‌شد، وقتی این آیه نازل شد،

۱. تفسیر سوره حجرات، ص ۱۹۱.

ثابت ناراحت شد که پیامبر را اذیت کرده است و باعث نابودی اعمالش خواهد شد، آن حضرت فرمود: نه او اهل بهشت است زیرا که گوشش سنگین بوده و تقصیری نداشته است.^۱

۲. در سال نهم هجرت که «عام الوفود» بود، (سالی که هیأت‌های متعددی از قبائل مختلف برای پذیرش اسلام و اعلام تسلیم خدمت پیامبر ﷺ می آمدند) هنگامی که نمایندگان قبیله «بنی تمیم» خدمت پیامبر رسیدند، ابوبکر به پیامبر پیشنهاد کرد که «قعقاع» (یکی از اشراف قبیله) امیر آنها گردد و عمر پیشنهاد کرد «اقرع بن حابس» امیر شود، در اینجا ابوبکر به عمر گفت: می خواستی با من مخالفت کنی؟ عمر گفت: من هرگز قصد مخالفت نداشتم، در این موقع سر و صدای هر دو در محضر پیامبر بلند شد، آیات فوق نازل گشت، یعنی نه در کنار پیامبر و نه در کنار خانه او سر و صدا راه نیندازید.^۲

۳. هنگامی که رسول خدا وارد مدینه شد تعداد مهاجر و انصار رو به فزونی گذاشت و پرسش‌های فراوانی از آن حضرت می شد و وجود مقدس آنحضرت را همانند خودشان با تعبیراتی که شایسته مقام رسالت و نبوت نبود مورد خطاب قرار می دادند. لذا خدا این آیه را نازل فرمود.

۴. وقتی فرستادگان بنی تمیم می خواستند خدمت پیامبر برسند، آمدند دم در حجره آن حضرت و او را با تعبیر «یا محمد اخرج الینا»: «ای محمد بیا بیرون!»، صدا کردند و وقتی پیامبر از حجره خارج شد، در راه رفتن بر او پیشی گرفتند و هنگام صحبت کردن صدایشان را بلندتر از صدای پیامبر کردند مثل اینکه با همدیگر صحبت می کردند لذا این آیه‌ها نازل شد و آنان را از این بی ادبی نهی کرد و در صورت عدم رعایت ادب، حبط عمل آنها را وعده داد.^۳

۱. مجمع البیان، ذیل آیه.

۲. تفسیر نمونه، ذیل آیه. (به نقل از تفسیر قرطبی، فی ظلال القرآن، و سیره ابن هشام و صحیح بخاری).

۳. تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۸۰، ذیل آیه.

گرچه دیدگاهها در شأن نزول آیات متفاوت است، اما مطلبی که مسلم است این است که هم پیشی گرفتن بر پیامبر و هم در محضر آن حضرت با صدای بلند سخن گفتن و هم او را با تعبیرات ناشایست صدا کردن و داد زدن مایهٔ حبط و نابودی اعمال می‌شود.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدای خود را فراتر از صدای پیامبر نکنید، و در برابر او بلند سخن مگویید (و داد و فریاد نزنید) آنگونه که بعضی از شما در برابر بعضی می‌کنند، مبدا اعمال شما نابود گردد درحالی که نمی‌دانید!».

در همهٔ این موارد و مواردی غیر از اینها پیامبر رحمت سعی می‌کرد اگر کسی با صدای بلند او را می‌خواند، با صدای بلندتر از او جواب بدهد تا آن شخص مرتکب گناه نشود و موجب حبط اعمالش نشود و لذا به خاطر مهر و محبت بیش از حد پیامبر، عده‌ای جری می‌شدند و باعث رنجش خاطر پیامبر می‌شدند.

«روزی وجود مقدسش را عربی از پشت دیوار با صدایی بسیار بلند، آواز داد و گفت: «یا محمد!» آن حضرت با آهنگی بلندتر از او پاسخ داد تا مبدا مرد عرب به خاطر بلندتر سخن گفتن با پیامبر گناهکار محسوب گردد»^۱.

به قول مرحوم آیت‌الله سید رضا صدر: «عجب اینجاست که همین مسلمانان، اینگونه احترامات را در ملاقات با مقامات عالیة دنیوی رعایت می‌کنند، مؤدب می‌شوند و آهسته سخن می‌گویند، ولی نسبت به مقامات عالیة خدایی رعایت نمی‌کنند»^۲.

درحالی که اگر احترامات مقامات دنیوی رعایت نشود، ممکن است ضرر و زیان مادی و دنیوی به انسان برسد ولی اگر رعایت ادب در محضر پیامبر و یا امامان معصوم نشود، خداوند وعده می‌دهد که اعمال و عبادتهای انسان بیهوده می‌شود چنانکه در ذیل آیه می‌فرماید: «...أَنْ تَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ»: «مبدا اعمال شما نابود گردد درحالی که نمی‌دانید».

حتی خداوند متعال در آیهٔ بعدی در مورد کسانی که از پشت حجرهٔ پیامبر، آن

۱. تفسیر سورهٔ حجرات، ص ۱۸۶.

۲. همان، ص ۱۸۹.

حضرت را «یا محمد» صدا می‌زدند، تعبیر بی‌خردان بکار برده است آنجا که می‌فرماید: «إِنَّ الدِّينَ يَنَادُوكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ»^۱. «حتماً کسانی که تو را از پشت حجره‌ها بلند صدا می‌زنند، اکثرشان نمی‌فهمند!». چرا که معمولاً هر قدر سطح عقل انسان بالا رود، ادب و فهم او نیز افزون می‌شود و در این صورت است که ارزشها و ضد ارزشها را بهتر درک می‌کند. ولی کسانی که در برابر گل سرسبد آفرینش با صدای بلند و بی‌ادبانه مثل بنی تمیم پشت حجره پیامبر بیایند و فریاد بزنند، این چه عقل و خردی است؟!

نکته

نکته‌ای که در اینجا خالی از لطف نیست این است که در آیه مورد بحث تعبیر «اکثرهم لا یعقلون» بکار رفته، چنانکه در تفسیر نمونه می‌خوانیم، این امر: «یا به خاطر این است که «اکثر» در لغت عرب به معنی «همه» می‌آید که برای رعایت احتیاط و ادب این تعبیر را به کار می‌برند که حتی اگر یک نفر مستثنی بوده باشد، حق او ضایع نشود، گوئی خداوند با این تعبیر می‌فرماید: من که پروردگار شما هستم و به همه چیز احاطه علمی دارم به هنگام سخن گفتن رعایت ادب می‌کنم، پس شما چرا رعایت نمی‌کنید؟ (آنها در برابر پیامبر اسلام ﷺ).

و یا اینکه به راستی در میان آنها افراد عاقلی بوده‌اند که روی عدم توجه و با عادت همیشگی صدا را بلند می‌کردند، قرآن از این طریق به آنها هشدار می‌دهد که عقل و فکر خود را به کار بیاندازند و ادب را فراموش نکنند.

اما آیا این دستور شامل زمان حیات پیامبر است یا در کنار قبر آن حضرت هم باید مراعات شود؟ و همچنین آیا شامل ائمه اطهار علیهم السلام و قبور آنان هم می‌شود؟ انشاء الله در شماره آینده.

۱. حجرات: ۴.